



پله پله تا پاستور

وچیزه ای درباره چالش های پیش روی دولت روحانی در انتخابات ۹۶

اندر حکایات

کاندیدای ضربه گیر

محسن تاجیک نژاد

روز های ثبت نام کاندیدها و البته جلوتر روز اعلام تایید صلاحیت شدگان انتخابات ریاست جمهوری باعث شد که نامزد و یا نامزد های هر جریان مشخص شوند. آنچه که در پایان مهلت قانونی ثبت نام از کاندیدا ها مشهود به نظر می رسید آن بود که سه نامزد جریان توسعه گرا و حامی دولت یازدهم آقایان روحانی، جهانگیری و محمد هاشمی هستند که با عدم احراز صلاحیت محمد هاشمی، جریان توسعه گرا با دو نامزد که به نوعی جلودار دولت یازدهم هم هستند - رئیس دولت و معاون اول - وارد عرصه انتخاباتی شده اند.

درباره حضور اسحاق جهانگیری در کنار حسن روحانی در انتخابات تحلیل ها و سناریو های مختلفی ارائه شده است. تیتیر معروف روزنامه آفتاب یزد منتصب به جریان اصلاحات با عنوان «کاندیدای ضربه گیر» دایره لغات اصحاب سیاست را بزرگتر کرد. تلقی جریان اصلاحات از این عبارت چنین است که کاندیدایی در کنار روحانی باشد تا هم در مقابل هجمه های منتقدان کمک او کند و هم آلترناتیوی برای روحانی باشد که اگر نیاز به عبور از وی شد، بلافاصله جایگزین روحانی شود. در آن سو تلقی جریان حامی دولت از این واژه صرفا ایفای نقش مکمل و کمکی در انتخابات به روحانی و کنار کشیدن در زمان مقرر است.

با همه این تفاسیر جهانگیری در آخرین ساعات ثبت نام خود را به وزارت کشور رساند و بعد از ثبت نام در انتخابات گفت: «با روحانی در کنار هم و مکمل هم هستیم». اما ویژگی های شخصیتی جناب جهانگیری علاوه بر بحث و جدل های موجود بر سر کاندیدای پوششی بودنش دارای نکات مهم دیگری هم است. نخست اینکه اسحاق جهانگیری همان گونه که خودش هم در زمان ثبت نام گفت قبل تر هم قصد ثبت نام در انتخابات را داشته و بسیار هم در این امر مصمم بوده است. جهانگیری در سال ۹۲ علی‌رغم اعلام نامزدی روحانی، در نامزدی انتخابات آنچنان مصمم بود که تصمیم خود را همراه با تحلیلی که از مسائل

واقعیت می رساند که سرانجام انتخابات به چه صورت خواهد شد که در ادامه سعی خواهیم کرد که بعضی از این چالش ها را نام ببریم.

۱. پیروزی با ۰.۷ درصد یا ۲۵۰ هزار رای بیشتر از حد نصاب با نگاهی به تاریخ و نتایج ادوار انتخابات های ریاست جمهوری این مهم را به ما گوشزد می کند که روحانی پایین

ادامه متن را در صفحه ۲ پیگیری کنید

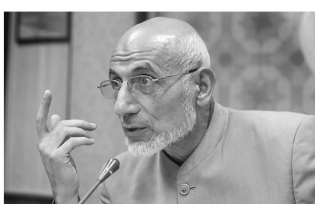
کند. شاید اصلی ترین سوال پس از ۴ سال این باشد که آیا روحانی باز هم می توانند رای بیاورد یا خیر؟ دولت یازدهم که به دولت توسعه گرا معروف است و کارشناسان این دولت را ادامه دولت مرحوم هاشمی و سال اول دولت تدبیر و امید را سال نهم دولت سازندگی می دانند، چالش هایی در پیش رو دارد که توجه به آنها هم برای دولتی ها و هم برای منتقدان و تحلیل گران سیاسی بسیار اهمیت دارد. در واقع شناخت این چالش ها و در کنار آن بررسی وضعیت اردوگاه جناح مقابل یا به عبارتی منتقدان دولت ما را به تحلیل بسیار نزدیک به

تحلیل جریان اعتدال و توسعه در انتخابات ریاست جمهوری

کمتر از ۴ هفته تا دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده و تکاپوی زیادی در بین جریانات سیاسی وجود دارد. در این بین دولت حسن روحانی به عنوان دولت حاکم که می تواند یک دوره ۴ ساله دیگر بر سر کار باشد خود را در معرض عموم قرار داده تا بتواند دوباره اعتماد مردم را جلب

عکس نوشت

جهانگیری پسر خویست



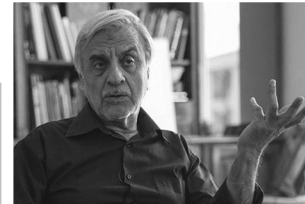
مصطفی میرسلیم: جهانگیری پسر خوبی است، چون او در زمانی که من در وزارت کشور بودم فرماندارم در جیرفت بوده ولی در هر حال از کسی که تجربه کار ندارد چه می خواهیم و چه توقعی می توانیم داشته باشیم

مناظره مرده



وزیر کشور: موافق پخش زنده نیستیم، می‌خواهیم تهمت ها را از مناظره ها در بیاوریم، به ما اعتماد کنید!

به نفع هیچ کس کنار نمی روم



هاشمی طبّا در گفت‌وگو با تسنیم: به نفع روحانی یا جهانگیری کنار نمی‌روم / برنامه‌هایم را به زودی به اطلاع مردم خواهم گذاشت و در آینده نزدیک نشست خبری برگزار خواهم کرد

مدیریت سبب زمینی



قالیباف: از مسئولینی که توان مدیریت تولید سبب زمینی را هم در این کشور ندارند، چگونه انتظار دارید رکود و تورم را در این وضعیت بحرانی مدیریت کنند

ادامه متن را در صفحه ۴ پیگیری کنید

ادامه متن «تحلیل جریان...»



انتخابات ۹۶



حجت الاسلام رئیسی: صدا و سیما به طور پی در پی سخنان رئیس جمهور را پخش می کند. آقای روحانی! حیف است رقابت برای خدمت به شائبه های تبلیغاتی آلوده شود

رئیس ستاد انتخاباتی حزب اراده ملت ایران: اسحاق جهانگیری کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ستاد انتخاباتی تشکیل نمی دهد

مسعود زریبافان با صدور پیامی ضمن تشکر از شورای نگهبان حمایت خود را از رئیسی اعلام کرد

میرسلیم: امروز ادعا می کنند که تورم تک رقمی شده است اما این به قیمت رکود و سخت شدن معیشت مردم بوده است

محمد هاشمی در بیانیه ای تاکید کرد: به حکم قانون گردن می نهم/ با تمام توان از حسن روحانی حمایت خواهیم کرد

قالیاف: در صورت کسب آراء در انتخابات ریاست جمهوری کار خود را از مناطق دور افتاده و محروم آغاز خواهیم کرد و خدمت به این مناطق را هرگز فراموش نخواهم کرد.

نوبخت: دولت نیازمند این است که نسبت به تبیین عملکرد خود اقدام کند، به همین جهت آقای جهانگیری برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرد و حتما در مناظره ها تلاش می کند نسبت به عملکرد دولت روشنگری کند

خوش سیماء دبیر تشکیلات انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان در گفت و گو با فارس:

مردم خواستار دولتی هستند که به جای شعار عمل کند/ دولت هیچ اقدامی برای جاری سازی اقتصاد مقاومتی نکرده است.

ترین نصاب یک رئیس جمهور را در تاریخ جمهوری اسلامی دارد. این خود نشان دهنده شکنندگی آرا او را می رساند. شکنندگی ای که زنگ خطری است برای دولت که اگر نتواند کارآمدی از خود نشان دهد و ۴۹ درصد و خورده ای دیگر را راضی کند با یک لغزش کوچک انتخابات به دور دوم خواهد کشید و در آن صورت کار از دست روحانی و تیمش خارج خواهد شد.

۲. اکثر کارشناسان و تحلیل گران سیاسی به این مسئله واقفند که رای روحانی در سال ۹۲ یک رای گفتمانی نبوده و در واقع دولت فاقد یک پایگاه اجتماعی و ایدئولوژی است. کمبودی که دولت ها و روسای جمهور قبل روحانی آن را حس نکرده اند و هر کدام با یک گفتمان ابتدا با به عرصه انتخابات گذاشته و سپس مردم آن گفتمان را برگزیدند. گفتمان آزادی در دوم خرداد ۷۶ و گفتمان عدالت در سوم تیر ۸۴ مثال هایی از این مسئله است. در واقع می توان گفت که جمیع مستجمع مسائل ۲۴ خرداد را رقم زند. کثرت کاندیداهای جریان اصولگرایی و پنجه کشیدن هایشان بر صورت یکدیگر در مناظرات تلویزیونی، انصراف اجباری و دقیقه نودی عارف و ریختن سید رای جریان اصلاحات به سید رای روحانی، عدم تایید صلاحیت مرحوم هاشمی و حمایت صریح و بی پرده وی و رئیس دولت اصلاحات از روحانی، ایجاد دوقطبی های کاذب مقاومت-سازش، چرخ سانتیفریوژ-چرخ کارخانه ها، جنگ-امنیت و امثالهم که باعث شد سید رای سلبی ای برای روحانی ایجاد شود، سیاست ورزی های شخص روحانی و گفتن شاه جمله هایی چون «من سرهنگ نیستم، من حقوقدانم» و «کلید واژه های چون «گازانبری»، «شایعه رد صلاحیت روحانی در روز های منتهی به انتخابات و ... همه و همه دست به دست هم داد تا نام حسن روحانی از صندوق های رای بیرون بیاید. حالا بعد از ۴ سال که همچنان دولت فاقد پایگاه اجتماعی است و هیچ تضمینی هم برای به وجود آمدن آنچه که در انتخابات ۹۲ به روحانی برای پیروزی در انتخابات کمک کرد، وجود ندارد، دولتی ها و اتاق فکرشان را از عدم رای آوری ترسانده است.

۳. کافی است که نگاهی به نام های روسای جمهور بعد از انقلاب بیندازیم تا به این نتیجه برسیم که یکی از مهم ترین

دلایل رای آوری یک نفر در انتخابات ریاست جمهوری داشتن چهره ای کاریزما و محبوب در بین مردم است. از ابوالحسن بنی صدر و سخنرانی های شورانگیزش در دانشگاه ها و از دل مردم درآمدن شهید رجایی و محبوبیت رهبر انقلاب در دوران ریاست جمهوری گرفته تا اقتدار گرایی، یار دیرین و نسل اول انقلاب بودن مرحوم هاشمی و بعد از آن هم خاتمی و احمدی نژاد. اما شخصیت عبوس و نسبتا عصبانی جناب روحانی که در بعضی مواقع صدای طرفداران و نزدیکانش را هم در آورده و بعضا به کابینه ایشان هم سرایت کرده! یکی از معضلاتی است که تیم مشاوران رئیس جمهور باید فکری برای علاج آن پیدا کنند.

۴. آنچه که مردم را در سال ۹۲ به شدت ناراضی کرده بود و به نوعی خواهان تغییر وضع موجود آن بودند مسائل معیشتی و اقتصادی بود. روحانی که خود را نماد تغییر نشان داد، حالا بعد از گذشت ۴ سال نتوانسته نارضایتی های مردم را برطرف کند. سایه افکندن رکود بر کشور، معضل بیکاری و مشکلات معیشتی مردم در کنار افزایش فیش های نجومی موجی از نارضایتی های اجتماعی را به وجود آورده و به نوعی می توان

گفت این موضوع، پاشنه آشیل دولت و حسن روحانی است و حتی دادن آمار هایی از قبیل ایجاد ۷۰۰ هزار شغل در سال ۹۵ و رشد اقتصادی ۷،۴ درصدی و تورم تک رقمی که هیچ ما به ازای بیرونی ندارد هم نتوانسته از گلایه مندی مردم کم کند. به نوعی و با یک تعبیر دقیق تر می توان گفت که روحانی در سال ۹۲ منتقد وضع موجود بود و حالا با گذشت ۴ سال و پا برجا ماندن بسیاری از مشکلات اقتصادی دیگر روحانی نمی تواند نقش منتقد وضع موجود را بازی کند چرا که خود نماینده وضع موجود است و باید پاسخگوی آن باشد.

۵. برجام و یا به تعبیر کلان تر سیاست خارجه به عنوان اصلی ترین ایده دولت برای حل مشکلات اقتصادی مردم بوده و هست. جدای از بحث میزان کارآمدی آن که بعضا

توسط اعضای کابینه از جمله رییس بانک مرکزی هم نفی می شود، نفوذ های چند باره برجام توسط طرف مقابل از جمله تمديد قانون ISA آن هم با ۹۹ رای موافق و بدون مخالف در سنا، ممنوعیت ورود اتباع ۷ کشور از جمله ایران به ایالات متحده و در آخر هم روی کار آمدن ترامپ که مهم ترین شعار انتخاباتی اش پاره کردن برجام است، حتی با این فرض که برجام هیچ مضراتی برای مردم نداشته باشد اما باور عمومی و اجتماعی را در حداقلی ترین حالت ممکن به این سمت برده که هیچ سود و اتفاق مثبتی هم با این معاهده حاصل نمی شود.

۶. اگر جریان توسعه گرا در داخل کشور را به مثابه یک خیمه فرض کنیم، بی شک مرحوم هاشمی عمود این خیمه بود که با فقدان وی جریان توسعه گرا مهم ترین حامی معنوی خود را از دست

داده و عمود خیمه خوابیده است. وجود شخصیت جناب هاشمی خود به اندازه ای برای روحانی و دولتش رای آور بوده و حالا در نبود ایشان جریان توسعه گرا اول به دنبال پیدا کردن فردی برای جایگزینی

ایشان در جایگاه پدر معنوی خود هستند و در ثانی با ذکر خاطرات، نقل ها از او درباره روحانی و دولت تدبیر و امید و ادامه راه کشور به دنبال آن هستند تا آن سبد رای را دوباره بازیابی کنند.

در مجموع و با ذکر چالش های پیش روی دولت یازدهم همچنان روحانی شانس زیادی برای راهیابی دوباره ساختمان پاستور دارد. در واقع چالش های ذکر شده یک طرف سکه را نشان می دهد و آنچه که نتیجه انتخابات را مشخص می کند آن طرف سکه و یا به قولی طیف منتقدان دولت است که باید سیاست ورزی آنها را در این عرصه مورد بررسی قرار داد.

آنچه که مردم را در سال ۹۲ به شدت ناراضی کرده بود و به نوعی خواهان تغییر وضع موجود آن بودند مسائل معیشتی و اقتصادی بود.

آفت مدیران غیر انقلابی

- مدیران به دور از سبک «مدیر انقلابی»، بالای جان کشور خواهند شد، چرا که عمداً در انسجام کشور کارشکنی می کنند تا موقعیت خود را بر پایه ی ضعف سازمانی سایر نیروهای عمل کننده حفظ کنند. ضعف نیروهای کشور، ضعف شخصی ایشان را می پوشاند و آن ها را به مثابه یک مدیر معمولی، برازنده ی سازمان های معمولی می کند.

- مشکل اینجاست که اگر مدیران ضعیف تصور کنند که نابودی نیروهای مؤثر و انقلابی، محدود کردن ارتباطات و قیود اجتماعی بین نیروهای عمل کننده، و تشکیل سازمان های ضعیف به حفظ موقعیت نحیف خودشان کمک می کند، از این کار دریغ نخواهند کرد. پس، وقتی تعهد به اهداف متعالی در مدیر نباشد، عملاً سازمان را به پایین می کشد، البته از دیدگاه مسئولین ارشد، او سازمان را ساکت و آرام به پیش می برد، ولی واقع آن است که او سازمان را به زیر می کشد.

- اعجاب آور است، ولی مدیران به دور از سبک «مدیر انقلابی»، موفقیت خود را در آرام نگاه داشتن سازمان و انتقال مسائل به دوره های مدیریتی بعدی تدبیر می کنند، و عملاً موفقیت سازمان را فدای حفظ قدرت خویش می سازند.

- «تدبیر» در لغت یعنی امور را پشت سر هم چیدن تا یکی در نتیجه ی بهبود قبلی بهبود یابد. ولی این مدیران «بد» و «ابن الوقت»، ضعف ها را پشت به پشت هم می چینند، شاید بشود از زیر آن ها در برونند؛ «تدبیر» در مورد این دسته از مدیران، به معنای «تسویف» یا همان به تعویق افکندن مسائل است.

- یک چالش بر سر راه گماردن و چینش مدیران اداری کشور این است که برخی از مدیران وجود دارند که بیش از قدرت یا پول، و غیر از دلایل معنوی، به داشتن پرستیژ و احترام علاقه نشان می دهند. این، یک چالش ویژه برای ارتقاء «انسجام معنوی» سازمان هاست، چون این مدیران در یک دنیای اکیداَ رسانه ای شده بر زرق و برق متمرکز می شوند، و از این تمرکز، پاداش رسانه ای قابل ملاحظه ای دریافت می کنند. در مورد این مدیران، سؤال این است که وقتی لازم شود بین زرق و برق و شهرت از یک سوی، و منافع کشور از سوی دیگر، انتخاب کنند، چگونه تصمیم خواهند گرفت؟

- تعهد معنوی تا حدی، تمرکز بر خوش نامی را تأیید می کند، به هر تقدیر، آن چه یک مدیر مجهز به تعهد معنوی را حفظ می کند، مراقبت شدید از خود و «حب دنیا» است؛ همان «رأس کل خطیئه».

مطلب آخر

- نکته ی آخر این که وقتی سازمان بر مبنای «انسجام معنوی» و همچنین «بازده فنی» سنجیده شود، هر چند که نظارت درست معنا پیدا می کند، ولی انگار این خطر وجود دارد که مدیران، مدام سایه ی تغییر را بر سر خود حس کنند، و بی ثباتی در عزم ها و تصمیم سازی های کوتاه مدت بر آنان غلبه یابد.

- اما، در این فرض هم تعهد معنوی مدیر به کمک می آید. تعهد معنوی به مکلف، یک دید معاندنگر می بخشد، طوری که بازتاب عمل خود را در یک مقیاس وسیع تر در نظر می آورد و می کوشد تا پاسخگویی خود را نزد مدیران ارشد بلکه مهمتر از آن نزد مالک روز حساب افزایش دهد. خوشبختانه نمونه مدیران اوایل انقلاب نشان می دهد که چنین الگویی، تا چه اندازه می تواند سازمان را به پیش براند.

مطلب ۱

- سایه سنگین مدیران دو تابعیتی یا مدیران با حقوق نجومی، عدم توازن ما در پیوستار قدیمی «تعهد» - تخصص «را گوشزد می کند؛ گوشزد می کند که ما در نقطه ی مرکزی این پیوستار نایستاده ایم. این هم معلوم شده است که دور شدن از «تعهد»، لزوماً ما را به «تخصص» بیشتر نمی رساند، بلکه ضلع سوم این پیوستار، همان شده است که نباید بشود: «تعهد» - تخصص - تلون. «حکایت مدیرانی است که با دو کارت تابعیت، آماده تغییر رنگ و «خیانت» هستند.

- مهم است که سیاستمداران و مدیران کشور، نه برای مقاصد شخصی، بلکه برای عظمت ملت و دین، تلاش کنند. این «امپراطوری ایمان»، رمز اصلی قدرت انقلاب اسلامی است، و اگر نباشد، این کشور به یک موطن معمولی تر از معمول تبدیل می شود و دیگر رنگ و بوی سابق را نخواهد داشت. و معمولی تر از معمول بودن برای کشور در معرض تهدیدی مانند ایران، درست مساوی است با بازگشت به نقطه ی بیست و هشت مرداد سی و دو یا پست تر.

- امروز، مدیران خواهان قدرت، که واهمه دارند منافع و قدرت خود را از دست بدهند، از فرط فرو بردن کشور در لاک دفاعی، باعث کاهش بهره وری آن می شوند. افراد منفعت جو یا تدافعی، کسانی که طوری به میز ریاست می نگرند که گویی یک نحو مایملک است، یا کسانی که به اجرای قانون ملزم نیستند، یا آن ها که برای رسیدن به منافع و قدرت از هر طریق می پویند، و یا آنان که ریاست را مصدر خدمت نمی شمردند، نمونه هایی از مدیران «بد» در مقابل سبک «مدیر انقلابی» هستند، که باید علاج شوند.

- خطر این نوع رؤسای «بد» بیش از آن است که گفتیم. وجود چنین مدیران و سیاستمدارانی می تواند باعث شود که سلسله مراتب اداری، در همان سطوح اولیه نیز از هم پاشیده شود؛ اگر آن ها برای حفظ موقعیت ضعیف خود، ناگزیر از تخریب اعضای شاخص سازمان شوند که اغلب می شوند، به خصوص و تفرقه در سازمان دامن می زنند، و آن را به سرزمین سوخته تبدیل می کنند، طوری که افراد در درون سازمان ها، دیگر نمی توانند به طور مؤثر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و همان بهره وری معمولی خود بدون حضور یک مدیر ارشد کارآمد را هم نخواهند داشت. این، یک یافته شناخته شده است که مدیران و سیاستمدارانی که تشنه ی قدرت و حفظ موقعیت اداری خود هستند، نسبت به کسانی که انگیزه شان مبتنی بر تعهد و خدمت و لااقل تعهد به مقاصد علمی و فنی است، ارتباطات انسانی و انسجام کشور را از بین می برند.

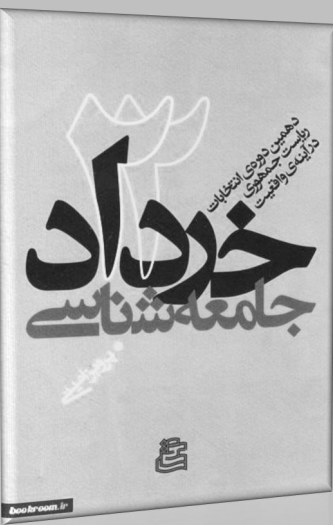
- این نوع مدیران، زمانی به این روش متمایل شدند که به آن ها گفته شد که وضعیت کشور بی ثبات است و اولویت آن ها حفظ ثبات و آرامش خواهد بود. سپس، پس از ورود به تارک سازمان، خودشان نیز دریافتند که قدرت سلسله مراتبی در نظام اداری بی ثبات است و ممکن است موقعیت خود را در رأس امور از دست بدهند. در نتیجه، با منزوی کردن کاردان ترین اعضای سازمان ها باعث تخریب ادارات کشور شدند. نکته ی طعنه آمیز این است که این رفتار از فردی سر می زند که باید تبحر خاصی در کنار هم قرار دادن اعضای تیم برای بهره وری بالاتر داشته باشد، ولی درست در جهت عکس عمل می کند.

- چگونه می توان از این نوع کارشکنی های بالا در سطوح مدیریتی جلوگیری کرد؟ نکته ی کلیدی آن است که باید «انسجام معنوی» سازمان را در کنار بازده فنی سازمان ها، به عنوان دو شاخص اصلی سنجش و انتخاب مدیریت ها جا انداخت.

- مدیران باید بدانند که انسجام معنوی سازمان می تواند بر بازده کلی سازمان تأثیر حیرت آوری بگذارد و سازمان را از مجموعه ماشین های غیر مبتکر، به مجموعه ی انسان های راه گشا و غیر ماشینی تبدیل کند. مفهوم کلیدی در این میان، انسجام معنوی سازمان های عمل کننده است.

- نکته ی مهم دیگر آن است که سازمان های با انسجام معنوی بالا، بسیاری از رفتارهای فاسد و مخرب را خود به خود از بین می برند، و حتی نیازی هم به برخورد های اداری و کیفری با فسادها نخواهد بود. این، نکته ی بسیار مهمی است. خطوط ارتباطی و همکاری مبتنی بر «انسجام معنوی» بین نیروها، مداخله ی فرامین یا مدیران میانی فاسد در امور را دشوارتر می کند، و نقش آموزنده و هدایت کننده ای دارد

معرفی کتاب



کتاب جامعه شناسی ۲۲ خرداد، نوشته آقای پرویز امینی به عنوان یک اثر جامعه شناسانه در یک پدیده اجتماعی سیاسی تاثیر گذار با گذشت یکسال از این حادثه سترگ، نگاشته ای قابل اعتنا در این زمینه است که با مکتوبات ارائه شده پیشین چند تفاوت اساسی دارد.

نخست آنکه برخلاف بسیاری از آثار اینچنین نه رویکردی یکسره تعریف و تملق از جریانی خاص و نه نقدهای یکسویه و سفارشی از جریان فکری مشخص در آن به چشم می خورد، بلکه سعی شده با اجتناب از نگاه تک بعدی و تک ساحتی، جامع نگری قابل قبولی در پرداخت به مسائل در آن صورت گیرد.

دیگر آنکه در هر فصل و هر گفتار با ذکر متغیرهایی مشخص نسبت هر مطلب با متغیر سنجیده می شود، که این به روال منطقی طرح مساله برای مخاطب کمک شایانی می کند و اینگونه تحلیل در نقطه مقابل تحلیلی است که در آن صرفا به ذکر مشهورات پرداخته می شود و مخاطب آماج اطلاعاتی مسلسل قرار می گیرد که جمع زدن و دسته بندی آن امری سخت و ماندگاری و اثرگذاری اش پدیده ای نادر می شود.

دور و برت رو به نگاه کن. مشکلی نداری؟ همه چی رو به راس؟ بدخواه مدخواه نداری؟ این نشریه چگونه؟ خوش است اومد؟

مخلص کلام، آگه مشکلی بود از خوابگاه تا سلف، از سلف تا دانشکده، ما در خدمتیم... آگه نظری در مورد نشریه هم داری، با گوش جان میشنویم...

اینم شماره باشگاه: ۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

Alef.semnan@gmail.com

https://telegram.me/lasu_ir

www.iasu.ir

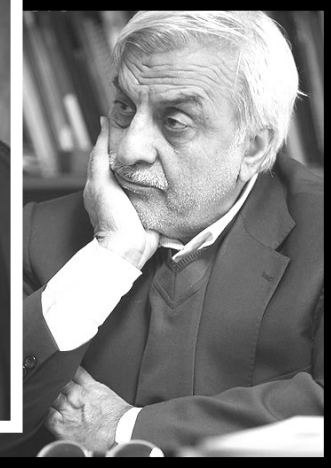
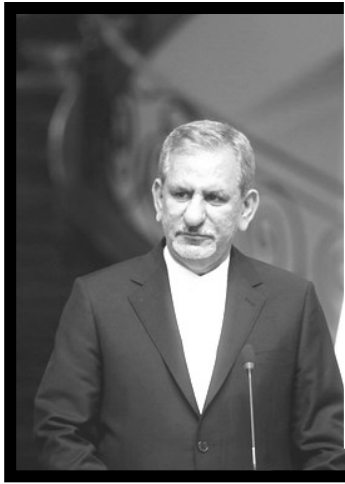
Anjomaneslami.semnan

۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

گاهنامه سیاسی، انتقادی، اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان
سال پانزدهم/ شماره ۱۲۶/ اردیبهشت ۱۳۹۶

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی

همکاران: محسن تاجیک نژاد، علیرضا دلیری، حسین شهنی، مجتبی امیری، محمدحسن بخشی



ادامه متن:
اندر حکایات
کاندیدای
ضربه گیر

منتقدین که دست نسبتا پری دارند باشد اما قطعا مهم ترین عیب حضور جهانگیری، تحقیر روحانی است. چرا که اگر پیش فرض اصلاح طلبان را در نظر بگیریم، حضور جهانگیری یعنی احتمال دادن عدم رأی آوری روحانی و داشتن گزینه ای جایگزین در هنگام ضرورت و این یعنی روحانی قابلیت رأی آوری ندارد! اگر پیش فرض دولتی ها و جریان کارگزاران را در نظر بگیریم که جهانگیری برای دفاع و کمک از روحانی آمده است و این یعنی روحانی خود ظرفیت و قدرت دفاع از خود را ندارد! آن وقت در خوش بینانه ترین حالت ممکن که معنی اش انتخاب مجدد روحانی است، روحانی زیر بلیت و چتر معاون اول خود است و هر چه دارد از صدفه سری اوست. یعنی همان تصویری که مرحوم هاشمی از روحانی نسبت خود داشت. تصویری که می گفت: «در انتخابات ۹۲ رأی روحانی سه درصد بود، با حمایت من پنجاه و یک درصد شد.»

دیده شده در جلسه هیئت دولت با بزرگان نظام عموم توصیه هایی که به دولت خصوصا در حوزه اقتصادی صورت می گرفت، مستقیم با اسحاق جهانگیری مطرح می شد. نکته ی سوم این است که به نظر می رسد جهانگیری شخصا رابطه مناسبی با حاکمیت دارد. اگر جناب روحانی در انتخابات سال ۹۲ اعلام می کرد که رابط و واسط رهبر انقلاب و مرحوم هاشمی بوده است، جهانگیری هم چندی پیش اعلام کرد که پس از دیدار با رهبر انقلاب، به تعبیری رابط و واسط بین اصلاح طلبان و نظام شده است.

در مجموع با در نظر گرفتن مسائلی که ذکر آن رفت باید اسحاق جهانگیری را چیزی فراتر از یک کاندیدای پوششی در انتخابات ۹۶ دانست. کاندیدایی که مزیت ها و معایب برای روحانی دارد. شاید مهم ترین مزیت حضور جهانگیری همان کمک حال روحانی در مناظرات و در مقابل هجمه های

کشور داشت، در ملاقات مبسوطی با رهبر انقلاب در میان گذاشت و نتیجتا در انتخابات ثبت نام کرد که با کاندیداتوری مرحوم هاشمی، نقش وی از نامزدی در انتخابات، به ریاست ستاد انتخاباتی هاشمی تغییر کرد. در واقع جهانگیری به عنوان جریان کارگزاران و نزدیک ترین حلقه به هاشمی، قصد داشت علی رغم حضور روحانی، وارد رقابت های انتخاباتی شود و این به معنای آن بود که در جمع نامزد های سال ۹۲ شانس رئیس جمهور شدن روحانی آنچنان ضعیف بود که جهانگیری بر وی برتری داشت و خود جناب جهانگیری و جریان کارگزاران وی را گزینه رای آور تری نسبت به حسن روحانی می دانستند و تنها کاندیداتوری مرحوم هاشمی سبب شد جهانگیری در آن سال در صحنه نماند. دوم اینکه به نظر می رسد تسلط جناب جهانگیری بر اقدامات اقتصادی دولت از خود جناب روحانی بیشتر است و این علاوه بر اینکه کار منتقدان دولت را سخت می کند، برای خود روحانی هم خیلی خوب نیست. بار ها

پاستور نشین بعد از خمینی

کاشته می شود.

علیرضا دلیری

اقتصاد

اگرچه در دوران هاشمی تا حدود زیادی خرابی های ناشی از جنگ جبران می شود و از دوران ریاست جمهوری وی به عنوان دوران سازندگی یاد می شود ، اما عدم توجه او به قشر مستضعف جامعه و عملکرد تکنوکرات مآبانه اش باعث ایجاد اختلاف طبقاتی شدید، تورم بی سابقه ی ۵۰ درصدی، کسری بودجه ۵۰ درصدی و پا گرفتن فساد در کشور شد ، فساد اقتصادی تا جایی در ساختار نفوذ می کند و عادی می شود که رئیس جمهور وقت در یکی از سخنرانی های خود می گوید! اگر یک سدی ساخته می شود و از ده میلیارد بودجه ی تخصیص داده شده ی آن ۵۰۰ میلیون تومان



همانطور که گفته شد، کانون توجهات و حمیت دولت توسعه ی اقتصادی بود، و درآمد های نفتی ابزار اصلی دولت در این زمینه به شمار می رفت اما قیمت پایین نفت اوپک (تا بشکه ای ۷ دلار) اجازه ی ایجاد توسعه ی اقتصادی را نمی داد، این موضوع باعث شد هاشمی رفسنجانی به تحکیم روابط با کشور های حاشیه خلیج فارس بپردازد تا با لابی با کشور های عربی درصدد کنترل قیمت نفت برآید، همچنین دولت با انگیزه ی جذب سرمایه خارجی در صدد سازش با غرب برآمد و به ارتباطات دیپلماتیک با اتحادیه اروپا قوت بخشید، همچنین اقداماتی را هم برای اعتماد سازی برای آمریکا انجام داد که بروز این موضوع را می توان در آزاد سازی گروگان های آمریکایی در لبنان، با میانجی گری ایران مشاهده کرد. اقدامی که واکنش به سزای آمریکا را در پی نداشت و مانند همیشه بد عهدی و غیر قابل اعتماد بودن آمریکا را نشان داد.

سیاست داخلی

در عرصه ی سیاست داخلی نیز هاشمی تلاش می کرد تا همان مشی فراجناحی خود در سال های گذشته را ادامه دهد و مقبولیت نزد هر دوطیف سیاسی را داشته باشد، او برخی از ارگان ها مانند وزارت فرهنگ و ارشاد را در اختیار جناح مقابل قرار داد و سید محمد خاتمی نیز به عنوان وزیر این وزارتخانه انتخاب شد، وی همچنین مرکز تحقیقات استراتژیک نهاد ریاست

جمهوری را نیز تاسیس کرد و تعدادی از موثر ترین شخصیت های جناح چپ ، از جمله سید محمد موسوی خوئینی ها را روانه ی این موسسه نمود. تشکل های دانشجویی نیز از خفقان سیاسی موجود در کشور به شدت به تنگ آمده بودند و برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ به دنبال نامزدی بودند که دنباله رو هاشمی نباشد و پرچمدار تغییر وضع موجود باشد.

اختلاس شود، اشکالی ندارد، در عوض سدی که ساخته شده برای کشور می ماند و مردم سال ها از آن استفاده می کنند! مردم به تنگ آمده از اوضاع نابسامان نیز در چند نقطه ی کشور از جمله اسلامشهر و مشهد دست به شورش و اعتراض زدند.

خرابی های ناشی از جنگ و همچنین سفر های خارجی رفسنجانی از جمله سفر به ژاپن باعث می شود که دیدگاه های چپ و سوسیالیستی او از بین برود و برای ایجاد توسعه و تحقق رویای ژاپن اسلامی، روی به اقتصاد آزاد آورد و پست های مهم در حول اقتصاد، از جمله وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و معدن ، ریاست سازمان برنامه و بودجه و ... را به کسانی واگذارد که دیدگاه های توسعه گرایانه دارند، رویای ژاپن اسلامی و در یک کلام توسعه ی اقتصادی به حدی برای هاشمی حائز اهمیت می شود که برخی از گفتمان های مهم انقلاب از جمله ، عدالت، آزادی و ساده زیستی به حاشیه

رانده می شود و حتی در برخی موارد موضع گیری هایی توسط رئیس جمهور در عمل و در گفتار ، در مقابل گفتمان ها و آرمان های یاد شده انجام می شود و همچنین در زمینه ی انتصاب وزرا و مدیران کلان کشور، از در نظر گرفتن ویژگی مهمی به نام تعهد به اسلام، کشور و همچنین انقلاب چشم پوشی می شود و فقط تخصص مد نظر قرار می گیرد، در خلاصه کلام نهال تکنوکراسی در پنجمین دولت جمهوری اسلامی